

## تشکل طبقاتی و توده‌ای کارگران و برخورد گرایش‌ها!

جلال محمد نژاد

بحث مربوط به ایجاد تشکل سراسری و طبقاتی کارگران که در چند ماه اخیر فعال شده است، بر بستر اجتماعی و موقعیتی مشخص در جنبش کارگری استوار است که برای کسی قابل انکار نیست. تحرک جنبش کارگری در چند سال اخیر و اعتراض و مبارزه بی‌امان طبقه کارگر برای افزایش دستمزد، علیه قانون کار ارتجاعی، علیه بیکارسازی و قراردادهای موقت و برای بالا بردن سطح معیشت کارگران و علیه بی‌حقوقی سیاسی اجتماعی پایه مادی تحرک فعالین کارگری برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای و مستقل کارگران را تشکیل می‌دهد. حرکت اول ماه مه سقز در سال گذشته که خود بر بستر تجارب اول ماه مه در دهه ۶۰ و نفوذ گرایش چپ در کردستان رخ داد و همبستگی بین‌المللی در دفاع از فعالین کارگری و علیه محاکمه ارتجاعی آن‌ها که صدای گرایش رادیکال در جنبش کارگری را به گوش کارگران جهان رساند، عرض اندام گرایش رادیکال و ابعاد گسترده مراسم و اعتراضات اول ماه مه در چند روز گذشته، قطعنامه‌های پیگیر طرح شده و مجموعه این فاکتورها شرایط و زمینه عینی مساعدتری را برای حرکت عملی فعالین پیشرو کارگری برای ایجاد تشکل مستقل و توده‌ای کارگران بوجود آورده است.

مبارزه برای ایجاد تشکل طبقاتی و توده‌ای کارگران روند اجتماعی غیرقابل برگشتی است و به همین دلیل گرایش‌ها اجتماعی در برخورد به این جریان فعال شده و هر کدام بنا به منافع طبقاتی و سیاسی خود در تلاشند تا مهر خود را بر این روند اجتماعی بکوبند و سکان مبارزه برای تحقق آن را بدست بگیرند.

تشکل ابزار موفقیت کارگران در مبارزه طبقاتی است. و مبارزه برای ایجاد تشکل سراسری و مستقل کارگران نیز تنها زمانی موفق خواهد شد که بر نیروی مبارزه و دستاورد خود کارگران، بر شرکت مستقیم و دخالت فعال آن‌ها و بر افق و سیاستی رادیکال استوار باشد. تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای کارگران که مستقل از هرگونه دخالت دولت و سرمایه‌داران شکل گرفته و بر اراده جمعی و اتحاد و یکپارچگی کارگران متکی باشند، پشتوانه و ضامن اصلی موفقیت این تشکل‌ها نیروی اجتماعی جنبش توده‌ای کارگران خواهد بود. و هرگونه تلاش فعالین کارگری در این راستا نیز می‌بایست بر همین مبنا مورد سنجش قرار گیرد.

رژیم جمهوری اسلامی برای کنترل و مهار کردن جنبش کارگری همواره تلاش کرده است که تشکلات زرد و وابسته به دولت از قبیل شوراهای اسلامی و خانه کارگر را به کارگران بقبولاند، تا بر این

اساس بتواند شرایط تامین منافع دولت و سرمایه داران را تضمین نماید. جناح های مختلف جمهوری اسلامی، در تمام حیات خود با دست نشان کردن مهره های مطلوب خود در این تشکل های قلابی سعی کرده اند به آن ها مقبولیت اجتماعی داده و نزد سازمان جهانی کار، به عنوان تشکل نماینده کارگران ایران معرفی نمایند. رژیم جمهوری اسلامی، در سرکوب جنبش کارگری حتی قانون کار ارتجاعی و ضدکارگری خود را که کاملاً در جهت انقیاد و بردگی مزدی کارگران تنظیم شده است، همیشه زیر پا نهاده و به تعهدات فرمال خود با سازمان جهانی کارگر مندرج در مقاوله نامه های ۷۸ و ۸۹ هیچگاه عمل نکرده است. نه فقط این، بلکه در تمام عمر ننگین خود فضای دیکتاتوری و خفقان و شکنجه و اعدام را در سرتاسر جامعه ایران برای کارگران و آحاد جامعه گسترانیده است.

سازمان جهانی کار «آی.ال.او»، که عملاً به تشکل سازش طبقاتی و تنظیم کننده منافع جهان سرمایه، در مقابل کارگران تبدیل شده است، نه تنها کمک خاصی به رشد و تقویت جنبش کارگری ایران و ایجاد تشکل مستقل آنان نکرده، بلکه تماماً در تقابل با منافع کارگران با رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی مماشات و سازش کرده و نهادهایی که رژیم برای کنترل و سرکوب جنبش کارگری ایجاد کرده است، را به عنوان نماینده کارگران به رسمیت شناخته و در مورد سرنوشت کارگران ایران با این نهادهای ضدکارگری وارد مذاکره شده است. به این اعتبار انتظار کمک و پشتیبانی از سازمان جهانی کار برای حرکت ایجاد تشکل مستقل کارگری توهمی بیش نیست و فعالین رادیکال کارگری لازم است کماکان به افشاگری مماشات سازمان جهانی کارگر با رژیم جمهوری اسلامی ادامه دهند. به این اعتبار مانع اصلی سر راه ایجاد تشکل کارگری در ایران رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و نظام تماماً متکی به اختناق و دیکتاتوری در ایران است و اتحاد و همکاری پیشروان و فعالین جنبش کارگری که برای ایجاد تشکل طبقاتی و توده ای کارگران به تکاپو افتاده اند بر علیه سرکوبگری های جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی آن و برای خنثی کردن نقشه های مشترک رژیم جمهوری اسلامی و سازمان جهانی کار، در قالب کردن تشکل های ضدکارگری بنام کارگر بیش از هر زمان ضرورت پیدا کرده است.

### **گرایش رفرمیستی!**

در مقابل این وضعیت و در پاسخ به نیاز مبرم کارگران ایران به تشکل مستقل توده ای در پایه ای ترین سطح دو گرایش اجتماعی در خود جنبش کارگری صف آرایی کرده اند که رد پای این دو گرایش را در تمام حرکات و تلاش هایی که از جمله در زمینه ایجاد تشکل کارگری انجام می شود می توان مشاهده کرد. این دو گرایش علیرغم اینکه در مقابل سرکوبگری های رژیم ضدکارگری

جمهوری اسلامی در مقاطعی مجبور به همکاری هستند در عین حال در برخورد به همه مسائل و تحولات جنبش کارگری سیاست و روش مبارزات مجزایی را نمایندگی می‌کنند.

از یک طرف گرایش سندیکالیستی-رفرمیستی موجود است که چه آن‌زمان که مبلغ دفاع از شوراهای اسلامی بود، چه آن‌دوره که به دفاع از جریان اصلاح طلب و اجرای نقشه‌های آن پرداخت و چه اکنون که با همکاری وزارت کار و سازمان جهانی کار، در تلاش است تا تشکلی را به کارگران قالب نماید که اساس سیاست و استراتژی خود را نه در ستیز و مبارزه با طبقه سرمایه‌دار، بلکه اساساً بر سازش و همکاری طبقاتی کارگر و سرمایه‌دار قرار داده و هرگونه حرکت حتی صنفی کارگران را به توافق وزارت کار و جنب و جوش در چهارچوب قانون کار جمهوری اسلامی موکول می‌کند. تمام استراتژی جریان سندیکالیست بر فعالیت در چهارچوب نظام سرمایه‌داری و قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی استوار است. این سیاست به روشنی از جمله در فعالیت تشکل «هیئت موسس سندیکاهای کارگری» قابل مشاهده است که سال گذشته در مقابل گرایش رادیکال جنبش کارگری قطعنامه رفرمیستی جداگانه صادر کرده و امسال نیز در مراسم مورد نظرشان در سالن «باختر» از زبان منصور اصانلو و یعقوب مهدیون از فعالان و رهبران گرایش سندیکالیست به روشنی از اصلاح فصل ۶ قانون کار جمهوری اسلامی، تقاضای رفع موانع فعالیت سندیکایی از وزارت کار و سازمان جهانی کار و مذاکره و همکاری با وزارت و اداره کار تأکید کرده است. ذکر تذکری در این رابطه ضروری است که هدف از بیان سطور بالا در نقد این گرایش، مخالفت با ایجاد سندیکا و اتحادیه به ابتکار مستقل فعالین کارگری که در تناسب قوای مناسب و تسلط گرایش رادیکال می‌تواند ابزار مبارزاتی کارگران باشند نیست، بلکه نقد یک گرایش رفرمیستی است که جوهر اساس آن حتی آن‌زمان که در تحركات اخیر فعالین کارگری، ظاهر رادیکال به خود می‌گیرد بر اساس اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی و فعالیت در چارچوب آن استوار است و ایجاد تشکل مستقل کارگری را به رفع موانع از طرف وزارت کار و رضایت آن واگذار می‌کند.

### **رسالت تاریخی گرایش سوسیالیستی**

اعتراض و مبارزه مستقیم و از پایین کارگران و جنبش آن‌ها در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک مبارزه‌ای علیه نظام سرمایه‌داری و علیه استثمار و شرایط غیرانسانی زندگی در این نظام و برای تغییر آن و بهبود شرایط کار و مبارزه کارگران است. این مسئله در جامعه اختناق زده ایران که کارگران حق متشکل شدن را ندارند کاملاً واضح است. حال تمام بحث بر سر اینست که در آن جامعه و تناسب قوایی که این مبارزه کارگری در آن صورت می‌گیرد کدام افق و بدیل سیاسی،

طبقاتی تسلط دارد. در جایی که پرچم تشکل و مبارزه کارگران در دست جریان‌ات و گرایش ضدمنافع کارگران است، یقیناً تلاش کارگران به هدر خواهد رفت و برعکس در جایی که جریان چپ و رادیکال به عنوان یک جریان اجتماعی نفوذ توده‌ای پیدا کرده است، ثمره مبارزه کارگران تقویت تشکل و اتحاد آن‌ها را بدنبال خواهد داشت. مبارزات کارگران کردستان و نفوذ گرایش رادیکال نمونه بسیار گویایی در این رابطه می‌باشد. مبارزه کارگران خباز، نساجی و سنت برگزاری اول ماه مه با قطعنامه‌های رادیکال باعث شده که هر اعتراض کارگری در کردستان رنگ و نشان چپ و رادیکال بخود گرفته و از هر نظر مورد حمله دولت و سرمایه‌داران قرار گیرد. کارگران کردستان در روز روشن دولت و مقامات آن را مجبور کرده‌اند که تن به وجود تشکل و سخنرانی رهبران کارگری‌شان بدهد که در اول ماه مه سال ۱۳۸۴ در میان استقبال پرشور کارگران سقز و در مقابل چشمان وحشت‌زده فرماندار رژیم، همبستگی طبقاتی خود و کارگران سقز را با صفوف جهان اول ماه مه اعلام کرده و کارگران را به ایجاد تشکل مستقل از دولت و علیه نظام سرمایه‌داری فراخوان دهد.

چالش اصلی که امروز پیش‌روی گرایش‌ات اجتماعی درون جنبش کارگری قرار گرفته است، جدال استراتژی و افق سیاسی عمل برای ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل کارگران است. گرایش چپ و سوسیالیست در جنبش کارگری ایران در تحرک اخیر کارگران ایران تقویت شده است. حرکت اول ماه مه دو سال اخیر و میزان مراسم اول ماه مه و اعتراضات و خواست‌ها و قطعنامه‌های رادیکال از جمله قطعنامه کمیته برگزاری اول ماه مه سال گذشته، قطعنامه اول ماه امسال از جانب کمیته برگزاری اول ماه (تهران - سقز - بوکان - بانه - مریوان - سنندج - رشت) و قطعنامه کمیته کارگری برگزاری اول ماه مه شامل (کمیته‌های کارگری تولیدی تهران، کارخانه قند میاندوآب، جرثقیل‌سازی، صنایع پمپ، کمیته حمایت از کارگران نساجی، کمیته فعالان کارگری کرمانشاه، کمیته کارگران پاره، کمیته کارگران گیلان و تحریریه نشریه کارگر پیشرو) و حمایت بین‌المللی کارگران در این دوره این مسئله را به روشنی نشان داده است. بر بستر گسترش این روند اجتماعی تلاش و پیشروان کارگری در چند ماه اخیر و بویژه شکل‌گیری کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل توده‌ای کارگران از فعالین و رهبران با نفوذ جنبش کارگری ایران که فراخوان رادیکال را در مقابل فعالین جنبش کارگری مطرح کرده و بر لزوم ایجاد تشکل‌های توده‌ای کارگران به نیروی اتحاد و مبارزه خود کارگران در مقابل و مستقل از دولت و نهادهای وابسته به آن تاکید کرده‌اند، حرکتی مثبت و امیدوار کننده می‌باشد. اعلام این کمیته و انتشار بیانیه رادیکال آن تا همین حد هم بر تلاش‌های فعالین کارگری از جمله در «کمیته پیگیری آزادی تشکل‌های کارگری» که قبل از آن ایجاد شد، تاثیر گذاشته به نحوی که در اعلامیه اول ماه

مه آن‌ها هم بر ایجاد تشکل کارگری بدون اجازه دولت انگشت گذاشته‌اند. به این ترتیب گام فراتر از بیانیه اولیه‌شان که این امر را به رفع موانع توسط وزارت کار موکول کرده بود، به جلو برداشته‌اند. اعلام کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگران فرصت تاریخی را در مقابل گرایش چپ و سوسیالیست کارگری گشوده است. حرکتی که بدون تردید لازم است از جانب همه طرفداران جنبش کارگری چه در داخل و چه در خارج کشور تقویت شده و به مجامع کارگری در سطح بین‌المللی معرفی نمود و در این راستا برای همبستگی و حمایت جهانی مشترکا تلاش نمود.

در این فرصت پیش‌آمده که فوقا ذکر شد گرایش چپ و سوسیالیست در جنبش کارگری رسالتی تاریخی را بر دوش دارد که با حرکت از منافع طبقاتی و مشترک طبقه کارگر در جهت بسیج گسترده‌ترین طیف رادیکال جنبش کارگری که بتواند طبقه کارگر ایران را برای ایجاد تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای کارگری به نیروی اعتراضی و مبارزه مستقیم خود و در تقابل با دولت و سرمایه‌داران و در مرزبندی با جریان راست در جنبش کارگری در موقعیت بهتری قرار دهد، گام بر دارد. برای این امر مهم ضروری است که رهبران و فعالین سرشناس و پرنفوذ جنبش کارگری به این رسالت تاریخی واقف بوده و با درایت سیاسی برای اتحاد و یکپارچگی کل طبقه کارگر علیه نظام بردگی سرمایه‌داری تلاش نمایند، از تقسیم فعالین کارگری برحسب برداشت فکری و مرزبندی ایدئولوژیک و سکتاریستی پرهیز کرده، وجود گرایش متفاوت را برسمیت شناخته و برای بسیج گسترده گرایش چپ جنبش کارگری در ابعاد اجتماعی گام بردارند. تلاش مشترکشان را به مبارزه روزمره کارگران گره زده و جنبش کارگری را به سمت مبارزه علیه کلیت نظام سرمایه‌داری و بردگی مزدی سوق دهند.

روند مبارزه برای ایجاد تشکل‌های طبقاتی و مستقل کارگران پروسه‌ای است در جریان و تلاش فعالین و آحاد کارگران در این راه ادامه پیدا خواهد کرد. تمام بحث بر سر اینست که در این دوره تاریخی گرایش چپ و سوسیالیست در این تحرک گسترده برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری تفوق پیدا کرده و در ابعاد اجتماعی مقبولیت و اتوریته پیدا کند و با تلاش خود طبقه کارگر را گامی مهم در راه رسیدن به آرمان والای سوسیالیسم نزدیک نماید.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۴۹